

آب، آیفون، آبادان آی آمان!

باز هم می‌گویند فامیل‌های خودشان آمدند توی صف ایستادند. ضمناً می‌گویند اینهایی که در صف آیفون ایستاده‌اند و بحث سیاسی می‌کنند، همانهایی هستند که برای کمپین نخریدن تبلیغ می‌کنند و درباره تشنگی خوزستان داد سخن می‌دهند و یک گر به دارند که حقوق یک ماه یک کارمند خرج یک هفته آن ملوسک است. حالاً تو هی بیا و نگو سبب و بگو اختلاف طبقاتی نداریم اما کلیه فروشی داریم.

هم در دورانی که حتی پیشی‌هایش پیش بینی می‌کنند. حاصل ضرب این مسأله این است که هر جادیدی خیاطی بالا آمده، شک‌نکن که آنجا مدیری متخصص ندارد و فقط بلد است توی اتاق بزرگ و خنکش بنشیند و خاکشیر یخمال بنوشد و حقوق مکفی بگیرد و برای پسر خوش به حالش آیفون بخرد. در آن یکی عکس هم یک عده آدم آبدار در صفی ناندرا ایستاده‌اند تا با ارز دولتی آیفون بخرند. البته نانش مال فروشنده است. از

این دو عکس مال یک دوره است. هر دو برای چیزی نایاب و قیمتی صف بسته‌اند ولی طبق قانون دانه فلفل سیاه و خال مهر ویان سیاه، میان این صف تا آن صف تفاوت از آب است تا آیفون. برای آبادانی‌ها و شهرهای اطرافش آب مایه حیات است و اگر نباشد، و او بلا که خر مشهر می‌شود کربلا. دلیلش هم هر چه باشد، ریشه‌اش بر می‌گردد به جناب مدیری که متخصص نبوده و نتوانسته چنین روزهایی را پیش بینی کند آن

بخش ارزشمندترین افتخار آدمی است



تلگرام چه پنهان از شما هم پنهان نباشد که می‌گویند تا دولت گفت آیفون فروشهای ارزدار را نقره داغ می‌کند، اینها آمدند آگهی زدند که ما آیفون را با ارز دولتی می‌فروشیم و



تولید بنزین هواپیما از عصاره مورچه

این عکس را در تلگرام دیدم. زیرش نوشته بود نمونه‌ای از گور خوابی در فلان شهر. حالاً فرقی نمی‌کند مال کدام شهر است چون هر شهری که باشد، هموطن است. در همین تهران خودمان هم کلی گور خواب داشتیم و داریم. زمستان که بشود، تعداد گور خوابها و زندانیان سرپایی یعنی کم جرم زیاد می‌شود. در سرمای هوا زندان بسی طالب دارد چون هم سقفی و گرمایی دارد هم صحانه ناهار شام هم اگر شانس بیاورند و خدمتکار یک زندانی مایه دار شوند، روزی دو وعده کرک تودماغی گیرشان می‌آید. اگر هم نصیب نشد و به زندان نیفتادند، گور خوابی هم مفید است چون توی قبر خوابیدن برای زنده‌ها گرمتر از توی پارک خوابیدن است. ما بگوسیبیم و حالا به این کار نداریم که چرا دولت فخریه ما مردمی گور خواب و کف خواب زندانها دارد. به ما چه که دولت توی کار زنده‌های آپارتمان نشین‌اش مانده چه برسد به قبرستانها. به این هم بهتر است کار نداشته باشیم که قبر شده خدات تومان ضمناً رئیس سازمان قبرستان می‌گوید مردم نگران گرانی قبر نباشند. جنازه روی زمین نمی‌مونه. قبر ارزونم داریم. آقا هل نده به همه تون می‌رسه. آب نداریم ولی دلار و قبر تا دلتون

بخواد هس! شاید هم یک روزی برسد که همین آقایی که در این عکس قبری را شکافته و توی پیش‌سکنی گزیده، فردا پس فردا که قیمت قبر بالاتر رفت، ادعای سرفقلی کند و قبرش را به قیمتی گزاف بفروشد و پولدار شود. آره اینجوریه...



ارتش گرسنگان

دو سه سال پیش از آقای محترمی عکسی گرفتم که داشت زباله گردی می‌کرد. بر ایسم خیلی عجیب بود و فکر می‌کردم عکس نابی گرفته‌ام که دیگر نمونه‌اش پیدا نمی‌شود. امسال تقریباً از هر خیابانی که بگذرم، خانمها و آقایان محترمی ترا می‌بینم که به بلانسبت انسان، مثل گربه زباله گردی می‌کنند. و این یعنی تعداد زباله گردها زیاد شده. کجای کار ایراد پیدا کرده که اینطوری شده‌ایم؟ بچه که بودیم و قتهایی که مادرمان غذایی بودار می‌پخت، به همسایه‌هایی که دستشان تنگ بود، بشقابی تعارف می‌کرد و به ما می‌گفت بویش را شنیده‌اند شاید دلشان بخواهد. همین استدلال ساده باعث می‌شد همسایه سفره همسایه مستمندش را رنگین کنند بی منت. حالا ده پرس چلو کباب نذری و مجانی گرفته‌ای و به خانه می‌بری، سر راه می‌بینی یک نفر دارد زباله می‌خورد. می‌ایستی و برای اینستا تایت از او عکس می‌اندازی و راحت را می‌کشی و می‌روی. بگوسیب گمان می‌کند مسئولان وزارت سیر کردن شکم گرسنگان نه به تلگرام دسترسی دارند نه هر گز به خیابان می‌آیند بنابراین چنین عکسها و صحنه‌هایی را ندیده‌اند و گرنه محال است کسی اسمش آدم باشد و مسئول سیر کردن شکم گرسنگان باشد و از زباله خواری مردم گرسنه هم خبر داشته باشد اما از خودش حرکتی نشان ندهد. بگوسیب باورش نمی‌شود که کسی بدبختی و زباله خواری مردمش را ببیند و بتواند از کرامت انسانی دم بزند. بی گمان مسئولان نمی‌دانند آخر این ملک خدایی دارد و وای به روزی که ارتش گرسنگان به زخم معده عاصی شوند!

